

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Sanction of Nullity Resulting from the Violation of Procedural Principles

Elahe Khodami Pour¹, Fereydoun Jafari^{*2}, Yasman Khajeh Nouri¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Criminal Law and Criminology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

* Corresponding Author's Email: F.jafari@basu.ac.ir

ABSTRACT

One of the key objectives of the criminal justice system is to maintain social order and protect individual rights throughout the course of legal proceedings. Within this framework, procedural principles and rules serve as the foundation for the stability and implementation of this crucial legislative aim. However, merely enacting procedural rules and principles is insufficient; these rules must also be supported by the legislator through enforceable legal guarantees against violations by any party involved in criminal prosecution. Among the most severe and effective legal sanctions for such violations is the remedy of nullity or invalidity. The purpose of the present study is to examine the legal sanction of nullity arising from breaches of procedural principles. This research has been conducted using a descriptive and analytical method. The findings indicate that despite the theoretical significance of nullity, this legal remedy has not received due attention in the Code of Criminal Procedure. Except for a few instances, the principle of nullity is not explicitly articulated in the law.

Keywords: Criminal Procedure, Legal Sanction, Nullity, Invalidity, Procedural Principles

How to cite: Khodami Pour, E., Jafari, F., & Khajeh Nouri, Y. (2026). The Sanction of Nullity Resulting from the Violation of Procedural Principles. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(1), 1-17.



تاریخ ارسال: ۱۴ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

ضمانت اجرای بطلان ناشی از نقض اصول دادرسی

الهه خدای پور^۱، فریدون جعفری^{۲*}، یاسمن خواجه نوری^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: F.jafari@basu.ac.ir

چکیده

یکی از اهداف مهم نظام دادرسی کیفری حفظ نظم جامعه و صیانت از حقوق افراد در مسیر دادرسی است. در این میان اصول و قواعد دادرسی باعث پایداری و اجرای این هدف مهم قانون گذار است. اما تنها اکتفا به پیش بینی قواعد و اصول دادرسی مقتضای این امر نمی باشد بلکه قطعاً این اصول و قواعد باید توسط قانون گذار در قبال تخلف و نقض عمل کلیه افراد دخیل در امر تعقیب کیفری مورد حمایت قرار گیرند یکی از شدید ترین و موثرترین این ضمانت اجراها در برابر عدول از اصول دادرسی ضمانت اجرای بی اعتباری و یا بطلان است. هدف پژوهش حاضر بررسی ضمانت اجرای بطلان ناشی از نقض اصول دادرسی می باشد که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. نتایج نشان می دهد که با توجه به اهمیت نظریه بطلان این ضمانت اجرا در قانون آیین دادرسی کیفری آن طور که شایسته اهمیت است مورد توجه قانون گذار قرار نگرفته است و به جز موارد معدود این نظریه در قانون به صراحت بیان نشده است.

کلیدواژگان: دادرسی کیفری، ضمانت اجرا، بطلان، بی اعتباری، اصول دادرسی

نحوه استناددهی: خدای پور، الهه، جعفری، فریدون. و خواجه نوری، یاسمن. (۱۴۰۵). ضمانت اجرای بطلان ناشی از نقض اصول دادرسی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۱)، ۱۷-۱۹.

بیان نشده است. لذا مشخص نبودن حدود این نظریه در قوانین باعث تضییع حقوق متهم است.

بنابراین در این راستا با توجه به ویژگی و اهمیت خاص ضمانت اجرای بطلان و رجحان این ضمانت اجرا نسبت به سایر ضمانت اجرای کیفری لازم است ضمن پرداختن به نظریه بطلان مصادیق آن در مراحل دادرسی کیفری بررسی گردد.

۱-پیشینه تحقیقاتی و مطالعاتی بحث

در ارتباط با موضوع مورد پژوهش با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تا کنون تحقیق جامعی که بطلان را در کلیه مراحل رسیدگی مورد بررسی قرار دهد یافت نشد. در ادامه، چند اثر که با موضوع تجانس بیشتری دارد را به صورت مختصر مورد بررسی قرار میدهیم:

زینب باقری (۱۴۰۲) تضمین اصول بنیادین درپرتو دادرسی کیفری: رعایت هر قاعده حقوقی نیازمند تضمین آن قاعده از طریق پیش بینی ضمانت اجرای مطلوب و مناسب است برخی از اصول بنیادین دادرسی رابطه تنگاتنگی با اقدامات قضایی دارد به طوری که شرایط اعتبار صحت تدابیر و اعمال قضایی را هدف قرار می دهد که عدم رعایت آن ها در جریان دادرسی با ضمانت اجرای بطلان یا بی اعتباری اقدامات صورت گرفته می انجامد. ضمانت اجرای نقض اصول دادرسی علی القاعده بطلان نیست اما چنانچه نقض اصول قاعده ساز باشد می توان ضمانت اجرای بطلان بر آن عارض گردد. هدف این مقاله بررسی قواعد راهبردی قواعد قاعده ساز دادرسی است (Bagheri, 2024).

مسعود فدایی و همکاران (۱۴۰۱) پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرایند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون دادرسی کیفری سال ۹۲): در این پژوهش نویسنده بیان می دارد: اگرچه نظریه بطلان به طور صریح در قوانین دادرسی کیفری ایران وجود ندارد اما به صورت ضمنی و پراکنده در مقررات و نوشته های قضایی موجود است. نظریه بطلان مختص مرحله دادرسی

دادرسی منصفانه را می توان یکی از اصول بین المللی حقوق بشری دانست که هدف آن حمایت از حقوق آزادی های اساسی افراد و ایجاد فرصت دفاع و ابراز ادله و امکانات لازم و ایجاد یک فضای تساوی برای آنان است علاوه بر آنکه تمامی افرادی که وارد چرخه دادرسی شده گاهاً متهم به ارتکاب جرم بوده و و مجرم نیستند ضمن همین موضوع باید بتوانند با در دست داشتن تمام اختیارات و حقوق در مرجع صالح از خود دفاع کنند که غایت اصول دادرسی حمایت از حقوق همین افراد است. با عنایت و اهمیت اصول و قواعد دادرسی در روند یک دادرسی منصفانه، ضمانت اجرای نقض این اصول در رسیدگی های قضایی امری مهم است. تا چنان چه هر یک از اصول اساسی و جوهری دادرسی نقض گردید دادرسی باطل و بی اثر باشد و یا اگر منجر به تصمیم نهایی نشده باشد اقدامات صورت گرفته بی اعتبار و بلااثر گردد به طور مثال داشتن حق وکیل، حق داشتن مترجم، تفهیم اتهام، حق رسیدگی در مرجع صلاحیت دار ز جمله اصولی است که متهم در مراحل مختلف دادرسی از آن بهره مند است لذا عدم رعایت آن ها موجب بطلان تصمیمات اتخاذ شده است که در اصطلاح علم حقوق و دادرسی به عنوان «نظریه بطلان» شناخته می شود و بخش مهمی از دانش حقوقی را تشکیل می دهد (Zar'aat, 2011).

آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ اگرچه در مقایسه با قوانین قبل به مراتب به لحاظ پرداختن به اصول دادرسی و حفظ رعایت حقوق شهروندی در جهت رعایت کرامت انسانی و تضمین حقوق افراد و ایجاد الزامات و تکالیف برای مجریان قانونی بسیار متری تر از قوانین قبل است و به زعم وجود در نظر گرفتن ضمانت اجرای کیفری، مدنی، انتظامی برای نقض اصول دادرسی اما همچنان مصادیق ضمانت اجرای بطلان در مراحل مختلف دادرسی بسیار محدود و استثنایی است. و ماهیت اصولی که منجر به بطلان شده است، نحوه بطلان و حدود و صغور آن در قوانین ما به صراحت

انتظامی، مدنی به ضمانت اجرای بی اعتباری و بطلان منتهی شود (Murthi & Yousifian Shooreh Deli, 2021).

۲- ماهیت بطلان

قانون پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف و تجزیه و تحلیل‌های فراوان به عنوان منبع اصلی حقوق نشر می‌گردد قانون گذار برای رعایت شان قوانین و مقررات خود از یک سو و نگه داشتن حفظ حریم و حرمت افراد جامعه خود احقاق حقوق عامه مقررات خود را به قید ضمانت معین می‌کند. در این میان قواعد آیین دادرسی کیفری نیز از این زمره مستثنا نیست و مانند قواعد ماهوی به قید انواع ضمانت اجرا مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند. از میان ضمانت اجراهای اصول دادرسی کیفری، ضمانت اجرای بطلان به عنوان مهم‌ترین و سنگین‌ترین ضمانت اجرا پیش‌بینی شده است. ضمانت اجراهای نقض و اصول دادرسی گاه متوجه عمل انجام شده و گاه متوجه خود مرتکب است اما در ضمانت اجرای بطلان این امر متوجه به عمل مرتکب نیست بلکه متوجه خود عمل می‌باشد یعنی اگر قانون گذار برای اجرای عملی طرق خاصی را در قانون مشخص کرده باشد و ضمانت اجرای عدم رعایت آن را بطلان اعلام کرده باشد این بدان معناست که اگر عمل بر خلاف قانون صورت گیرد بی‌اثر است. لذا ضمانت اجرای بطلان نسبت به هرگونه تخلفی اعمال نمی‌شود بلکه در مورد تخلفات مهمی است که جوهری و اساسی بوده و مصلحت مهمی را تضییع کند.

است که جوهری و اساسی بوده و مصلحت مهمی را تضییع می‌کند. بطلان، مجازات عدم رعایت شرایط اعتبار اعمال حقوقی است به طوری که عمل باطل شده فرض می‌شود انگار که هرگز وجود نداشته است. اعمال این ضمانت اجرا در قالب دعوای بطلان عمدتاً مطرح می‌شود. دعوای بطلان به علت عدم رعایت قواعد و مقررات دعوایی است که در آن‌ها قانون گذار و نیز رویه قضایی به دنبال برقراری تعادل و توازن میان منافع اشخاص ذینفع و اجتماع است

نمی‌باشد زیرا تمامی اقدامات در کلیه مراحل و مقاطع دادرسی باید به صورت صحیح انجام شود گر نه حکم به بطلان آن‌ها داده می‌شود. بنابراین چنانچه ادله‌ای از راه غیر قانونی به دست آید در اعداد ادله قرار نمی‌گیرد اگر مبنای تصمیم دادگاه قرار گرفته باشد تصمیمات اخذ شده باطل و یا اصلاح می‌شود. هدف نویسنده بررسی نظریه بطلان در مرحله تحقیقات مقدماتی است (Fadaei, 2023).

علیرضا سایبانی و همکاران (۱۴۰۰) ضمانت اجرای نقض اصول دادرسی منصفانه در دادرسی‌های کیفری در نظام حقوقی ایران: در این پژوهش نویسنده حق بر دادرسی منصفانه را مجموعه‌ای از اصول و قواعد ضروری برای تامین یک دادرسی منصفانه می‌داند که از طرف قانون گذار به واسطه تعبیه ضمانت اجرا مورد حمایت قرار گرفته‌اند که در میان ضمانت اجراها به طور خاص ضمانت اجرای بی اعتباری یا بطلان است که متوجه عمل ارتكابیست بر خلاف دیگر ضمانت اجراها که متوجه فردی است که مرتکب نقض اصول شده است. نویسنده معتقد است که قانون گذار با عدم ارائه معیار عینی یا تعیین مصداق موجبات بطلان، زمینه نقض دادرسی را فراهم آورده است لذا لازم است که قانون گذار این نقیصه را اصلاح کند (Saibani et al., 2021).

مورثی و یوسفیان (۱۳۹۹) تحکیم حاکمیت قانون از رهگذر ابطال تحقیقات و خروج از اعداد دلائل: نویسنده در این تحقیق قانونی بودن ادله دادرسی را یکی از اساسی‌ترین موضوعات دادرسی کیفری می‌داند به این نکته تاکید دارد: که دلایل با توسل به شیوه‌های غیرقانونی و از طریق نقض اصول دادرسی نمی‌تواند به دست آید بلکه شان و منزلت دستگاه قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی، مستلزم رعایت اصول و قواعد دادرسی است. در این پژوهش مشخص گردید که نقض فاحش فرایند تحصیل دلیل و آزادی‌های اساسی افراد می‌تواند علاوه بر ضمانت اجرای کیفری،

اهمیت داشته باشد. پس به نوعی همان نظریه شکلی است (Zar'at, 2011).

۲-۱-۲ بطلان قضایی

بطلان قضایی که گاه از آن تحت عنوان بطلان ذاتی و یا بالقوه یاد می‌شود بر خلاف بطلان قانونی توسط قانون گذار پیش بینی نمی‌شود و قانونگذار تشخیص این موضوع را بر عهده قضات قرار داده است.

قضات برای تشخیص به جای مراجعه به ملاک‌های موضوعی توجه کنند. در این دسته از ضمانت اجراها رویه قضایی با توجه به عدم رعایت اصول بنیادین و به ویژه نقض حقوق دفاعی متهم، فارغ از ضمانت اجراها رویه قضایی با توجه به عدم رعایت اصول بنیادین و به ویژه نقض حقوق دفاعی متهم، فارغ از پیش بینی قانون گذار تصمیمات و تدابیر قضایی صورت گرفته را باطل می‌کند. به عنوان مثال می‌توان «فقدان تاریخ یا امضای سند توسط بازپرس، عدم امضای دستور تعیین بازپرس، فقدان سوگند کارشناس، فقدان هر نوع بازپرسی از متهم در جریان تحقیق و عدم اطلاع تمدید مدت تحت نظر» (Tadayon, 2008).

۲-۱-۳ بطلان مطلق

هر عمل حقوقی دارای یک سری ارکان اساسی و غیر اساسی است. چنان چه عملی که خلاف قانون انجام شده باشد مخالف قواعد اساسی باشد بطلان مطلق است. مقصود از بطلان مطلق آن است که عمل ذاتاً باطل باشد به طوری که قابل اصلاح نباشد به طور مثال قواعد اساسی مربوط به تشکیل دادگاه، صلاحیت ذاتی، ارکان عمل اجرایی کیفری و مواردی از این قبیل است. برای بطلان مطلق قواعد خاصی ذکر شده است از جمله این که در هر مرحله از دادرسی قابل استناد است و اعمال آن نیاز به درخواست ذی نفع

در حقیقت باید از یک طرف رعایت قواعد دادرسی را به منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا تضمین کرد و در نتیجه با آن‌ها اجازه درخواست بطلان اعمال و اقداماتی را که در جریان آن‌ها قواعد و اصول دادرسی رعایت نشده‌اند را داد و از طرف دیگر با طرح "تئوری بطلان" از عدم رعایت این هنجارها و قواعد دادرسی پیشگیری کرد و مجریان عدالت را به رعایت قواعد و مقرراتی که ممکن است عدول از آن‌ها عملکرد آن را در معرض بطلان قرار دهد واداشت (Tadayon, 2008).

۲-۱ تقسیمات بطلان

۲-۱-۱ بطلان قانونی

بطلان منصوص یا بطلان قانونی بطلانی است که قانون گذار به صراحت آن را در متون قانونی خود پیش بینی کرده است بر اساس این نظریه فقط در مواردی می‌توان حکم به بطلان داد که در قانون پیش بینی شده باشد یعنی هر موردی که قانون گذار، مخالفت با مقررات را موجب بطلان بداند باید حکم به بطلان نمود وگرنه صرف مخالفت با مقررات موجب بطلان نخواهد بود. درواقع می‌توان این نوع تضمین را ضمانت اجرای نقض اصول، قواعد و تشریفات اساسی دادرسی و منافع بنیادین اصحاب دعوا دانست که مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است به عنوان مثال احترام به اصل مشروعیت تحصیل دلیل در اصل ۱۳۸ قانون اساسی پذیرفته شده است و به صراحت به اجبار اشخاص به شهادت، اقرار و یا سوگند را ممنوع اعلام کرده چنین ادله‌ای را فاقد ارزش و اعتبار می‌داند (Bagheri, 2016, 2024).

پس موارد بطلان اقداماتی که بر خلاف قانون صورت می‌گیرد حصری است و نیاز به تصریح قانون دارد این نظریه به شکل و ظاهر قانون توجه دارد بدون اینکه ماهیت یا جوهری بودن آن

^۱ هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

ندارد، بلکه مرجع قضایی می‌تواند راسا به آن استناد نماید. قواعد بطلان قابل صلح و سازش نیست و طرفیت حق گذشت و چشم پوشی از آن را ندارند بطلان مطلق مشمول مرور زمان نمی‌گردد و نیازی به رسیدگی قضایی و اعلام آن وجود ندارد (Al-Shurai, 1982).

۴-۱-۲ بطلان نسبی

اگر چنانچه عمل انجام شده برخلاف قواعد غیر اساسی باشد بطلان نسبی است. مقصود از بطلان نسبی که مربوط به مصالح اشخاص است، این است که فقط در صورتی بر عمل مترتب می‌شود که شخص ذینفع آن را درخواست نماید و قاضی راسا نمی‌تواند آن را مقرر سازد. بطلان نسبی با مرور زمان تصحیح می‌شود و مادام که با تصمیم قضایی بطلان عملی که دارای ضمانت اجرای نسبی است اعلام نشده باشد اثری بر بطلان مترتب نمی‌شود (Al-Shurai, 1982).

بنابراین برخلاف بطلان مطلق، بطلان نسبی بطلانی است که مربوط به قواعد مربوط به نظم عمومی نمی‌باشد هر چند که در حقیقت اساسی باشد به همین جهت این ضمانت اجرا در صورتی اعمال خواهد شد که ذینفع آن را درخواست نماید و ایشان می‌تواند از حق خود صرف نظر نموده و از ابطال آن جلوگیری کند. قواعد مربوط به بازجویی، بازداشت، دستگیری، تفتیش، قواعد مربوط به حقوق اصحاب دعوا درباره حضور در تحقیقات و آماده کردن دفاعیات نمونه‌های بطلان نسبی در قانون است. استناد به بطلان نسبی در هر مرحله‌ای از مراحل دادرسی امکان پذیر نیست بلکه فقط محکمه‌ای می‌تواند رسیدگی کند که بطلان در آن رخ داده باشد.

۳- فرایند بطلان در مرحله تحقیقات مقدماتی

مرحله تحقیقات مقدماتی در جهت فیصله دادن به دعوا صورت نمی‌گیرد اما بی‌شک تصمیمات مهمی در این مرحله گرفته می‌شود که با حقوق و آزادی‌های شخص در ارتباط است. بنابراین نظریه

بطلان در تحقیقات مقدماتی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحقیقات مقدماتی در دادسرا توسط بازپرس و یا به موجب قانون از طریق واگذاری توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود و در جرایم کم اهمیت یا منافی عفت یا جرایم اطفال از سوی دادگاه صورت می‌گیرد. پس تصمیمات ضابطان توسط دادسرا و تصمیمات دادسرا توسط دادگاه قابل ارزیابی است و چنانچه عملی بر خلاف قانون صورت گرفته باشد قابل ابطال است (Fadaei, 2023).

۳-۱ اصل منع شکنجه

اصل منع شکنجه در قوانین ایران با بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی و بالانخص تعالیم اسلامی، رفتاری غیر انسانی به حساب آمده و برای آن شدیدترین ضمانت اجرا را در نظر گرفته شده است. لذا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان قانون مادر، در اصل ۳۸ این قانون هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار را ممنوع اعلام کرده و اجبار اشخاص به شهادت، سوگند یا اقرار را مجاز ندانسته و چنین شهادت، اقرار و یا سوگندی را فاقد ارزش و اعتبار می‌داند.

این اصل ضمن اعلام ممنوعیت مطلق نه تنها مرتکب را قابل سرزنش کیفری می‌داند بلکه چنین اقراری را فاقد اثر و اعتبار قضایی می‌داند. از اطلاق این اصل می‌توان فهمید که اصولاً هیچ عذری اعم از مسائل امنیتی، وضعیت جنگی وضعیت فوق العاده و... نمی‌تواند توجیه کننده شکنجه باشد (Ardebili, 2011).

در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶۹ این قانون نیز اقراری را که تحت اکراه اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی و یا جسمی اخذ شود فاقد ارزش و اعتبار دانسته است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید. لذا اگر این ماده را بتوان به عنوان ضمانت اجرای منع شکنجه برای اخذ اقرار محسوب نمود در نتیجه می‌توان گفت که اقرار بر مبنای شکنجه هیچ گونه اثر حقوقی و قضایی نداشته و قابل رد به وسیله متهم می‌باشد. حتی شکنجه‌گر

در جرایمی که حضور وکیل در آن‌ها ضروری است اشاره کرد که نقض حق برخورداری از وکیل عنوان یکی از تضمین‌های مهم دادرسی منصفانه و عادلانه و حقوق دفاعی متهم محسوب کرد که به طور قطع از موجبات بی‌اعتباری رای و نقض آن طبق تبصره ماده ۱۴۵۵^۱ باشد.

۳-۳ حق سکوت

بر مبنای ماده ۱۹۷^۲ قانون آیین دادرسی کیفری متهم حق دارد سکوت اختیار کند و قانون‌گذار صریحاً به آن اشاره کرده است و در ماده ۳۵۲ آیین دادرسی کیفری به تفهیم حق از سوی ضابطان به متهم اشاره کرده است اما با این وجود قانون آیین دادرسی کیفری در مورد اعلام و تضمین رعایت حق سکوت ابهام دارد. و این امر نه در قانون اساسی و نه در قانون عادی در خصوص اعلام حق سکوت به متهم و مظنون نسبت به مقاماتی که در جریان رسیدگی هستند مشخص نشده است. رعایت برخی از حقوق قبل از شروع به تحقیق به صراحت قانون ضروری است که اثر عدم رضایت برخی از این حقوق دفاعی بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی است از این رو اعلام حق سکوت به متهم نیز می‌تواند در زمره این حقوق شناخته شود.

بنابراین با توجه به وضعیت روحی و روانی متهم در بازداشتگاه به خصوص در مورد متهمین جرایم اتفاقی و یا بدون سابقه عدم تفهیم حق سکوت متهم موجب نوعی اکراه موقعیتی متهم به پاسخگویی سنجیده شده است که این خود می‌تواند به ضرر متهم باشد بنابراین می‌توان از وحدت ملاک ماده ۴۶۰^۴ قانون آیین دادرسی کیفری استفاده و تاثیر اوضاع و احوال حاکم بر موقعیت

نیز مجرم تلقی و به مجازات قانونی محکوم می‌گردد (Goldouzian, 1996).

۲-۳ حق برخورداری از معاضدت وکیل

این حق می‌تواند به عنوان یک اهرم بازدارنده کلیه فعالیت‌های تحقیقی پلیس را که توسط ضابطین دادگستری صورت می‌گیرد مورد ارزیابی قرار دهد و بتوان علاوه بر ایجاد یک مانع بزرگ برای اعمال خودسرانه پلیس و یا تحمیل زور و شکنجه برای کسب اقرار یا هرگونه رفتار و اعمال نامناسب و مغایر با کرامت انسانی باشد.

بر همین مبنا قانون اساسی در اصول مختلفی من جمله اصل ۳۵ ضمن اشاره به حقوق شهروندی و اساسی مردم حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل را به رسمیت شناخته است. در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مجلس که مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت سلب حق داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شد اما در اصلاحیه این قانون در سال ۱۳۹۴ این تخلف موجب مجازات انتظامی درجه ۴ برای قاضی است. این در حالی است که رای وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر مسئولیت قانونی مترتب بر سلب حق خود برخورداری وکیل از سوی محکمه و بی‌اعتباری رای صادر از سوی دادگاه می‌باشد (Jafari et al., 2016).

هم چنین در بیان آن دسته از تشریفات دادرسی با آن درجه از اهمیت که عدم رعایت آن‌ها می‌تواند ضمانت اجرای بطلان داشته باشد می‌توان به ضرورت تشکیل جلسه رسیدگی با حضور وکیل

^۱ -تبصره - عدم رعایت تشریفات دادرسی، موجب نقض رای نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رای شود.

^۲ -ماده ۱۹۷: متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.

^۳ -هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

^۴ -در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.

را نوعی اکراه موقعیت تلقی کرد و احتمال بی‌اعتباری تحقیقات در این وضعیت بدون رعایت حق سکوت متهم بعید نیست (Shakeri & Shirazi, 2015).

بنابراین می‌توان گفت در قوانین کیفری جمهوری اسلامی اقدامات ناقض قانون معتبر نیست و نمی‌تواند مستند صدور حکم قرار گیرد. متهم حق سکوت دارد که به سوالات مطروحه پاسخ ندهد هر یک از ماموران دولتی اعم از قضایی و انتظامی که متهم را برای اخذ اقرار یا کسب اطلاعات شکنجه کند به موجب ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. سوگند دادن متهم برای وادار کردن وی برای ادای مطالب ممنوع است بلکه با عنایت به ماده ۲۱۲۵ در قانون آیین دادرسی کیفری به وضوح این نتیجه حاصل می‌شود که حق سکوت متهم در نظام قضایی به رسمیت شناخته شده است و تضمین شده است. ضمانت اجرای این ممنوعیت همان گونه که در قسمت آخر اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است بی‌اعتباری و بی‌ارزشی اقرار اخذ شده ناشی از اکراه و اجبار است (Shamloo, 2004).

۳-۴ اصل تسریع

یکی از اصول تضمین کننده دادرسی اصل تسریع است زیرا تاخیرهای ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود گردد به علاوه سرعت محاکمه فرسایش عاطفی متهم را در اثر دادرسی کیفری به حداقل می‌رساند (Fazaeli, 2015).

اصل تسریع رعایت استانداردهای مهلت معقول است این اصل رابطه تنگاتنگی با فرض بی‌گناهی متهم و احترام به حقوق دفاعی او دارد به گونه‌ای که هرگاه کندی فرایند دادرسی موجب خروج مدت رسیدگی از یک دوره معقول شود و اصل محاکمه متهم در

مدت زمان معقول را به مخاطره بیندازد رویه قضایی به علت تاثیر این امر بر سایر اصول بنیادین قاعده ساز توسل به ضمانت اجرای بطلان دادرسی را تجویز می‌کند. اما در غیر این صورت دوره طولانی یک دادرسی کیفری نمی‌تواند منجر به بطلان آن گردد فقط باعث حق اعتراض ذینفع و حتی تقاضای جبران خسارت علیه دولت می‌گردد.

به عبارت دیگر هرگاه عدم رعایت مهلت معقول ر مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی به گونه‌ای باشد که یکی از اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری به ویژه اصل ترافعی بودن برابری سلاح‌ها را نقض کند و متهم را از بهره‌مندی از حقوق دفاعی مانند وکیل مدافع، مترجم و غیره محروم نماید برآیند کیفری واقدامات پس از آن با ضمانت اجرای بطلان مواجه شود (Mirzapour Meshizi, 2012).

البته باید به این نکته نیز توجه نمود که پذیرش موسع ضمانت اجرای بطلان موجبات نقض غرض را فراهم می‌کند چرا که بطلان تحقیقات یا اقدامات صورت گرفته می‌تواند فرایند مذکور باید مجدداً تکرار شود و این تکرار خود مغایر با مهلت معقول خواهد بود بنابراین در مواردی که عدم رعایت مهلت معقول موجب نادیده گرفتن یا نقض یکی از اصول دادرسی کیفری نگردد ضمانت اجرای بطلان مصلحتی را در پی نخواهد داشت (Nourian & Salimi, 2017).

۳-۵ اصل رعایت کرامت انسانی

از آنجا که مقررات آیین دادرسی کیفری و چگونگی عملکرد مراجع قضایی بیان حدود و قلمرو حقوق و آزادی شهروندان در جامعه است احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها و رعایت و حقوق و آزادی‌های آنان در بستر رسیدگی‌های کیفری از اهمیت بیشتری

چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

۱- هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و

برخوردار است و با ضمانت اجرای خاص خود تامین و تضمین می‌گردد.

قانون گذار نقض اصل احترام به کرامت انسانی شهروندان و حقوق آزادی آن‌ها را پیش بینی و در کنار ضمانت اجرای کیفری و مدنی از ضمانت اجرای خاص دادرسی مانند بی اعتباری و یا بطلان تحقیقات نیز استفاده نموده است. بسیاری از حقوقی که در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ پیش بینی و نقض آن‌ها منع شده است عدم رعایت آن‌ها موجب بی اعتباری تحقیقات مقدماتی است. اجتناب از اعمال خشونت آمیز و ایدای حقوق افراد و تحقیر و استخفاف آن‌ها که در بندهای ۶، ۷ و ۸ این قانون آمده است و اجبار به اقرار در بند ۹ موجب بی اعتباری اقرار و تحقیقات مقدماتی است. هم چنان که اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اقرار و یا شهادت یا سوگند حاصل از هرگونه اجبار را بی اعتبار اعلام کرده است. بنابراین هرگونه رفتاری که بر اراده آزاد متهم در اظهارات وی تاثیر بگذارد اعتبار آن را مخدوش می‌کند.

۳-۶ اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری

دلیلی که از ابتدا به طریق متقالبانه و نامشروع تحصیل شده باشد فاقد ارزش اثباتی و اعتبار است شرافت و وجدان قاضی نمی‌پذیرد که به استناد این گونه ادله، اشخاص را مواخذه و محکوم کند اشخاص خصوصی نیز در دعوای کیفری ملزم به تبعیت از قواعد حقوق جزا، اصول کلی حقوق و نتایج آن یعنی اصل برائت، اصل قانونی بودن و اصل مشروعیت تحصیل ادله هستند. (تدین، ۱۳۸۷: ۸۰)

در حقوق ایران برای نخستین بار در اصل ۳۸ قانون اساسی به بی اعتبار بودن ادله تحصیلی از طریق غیرقانونی تصریح شده است. در واقع قانون صرفاً از حق آزادی افراد به منظور ارائه اطلاعات به

صورت اوطالبانه حمایت می‌کند و هرگونه شکنجه و اجبار در این زمینه را مانع پذیرش ادله می‌داند.

این امر در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران نیز به وضوح دیده می‌شود. در بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳ اشاره به این موضوع دارد که «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و قرارهای اخذ شده به این وسیله جهت شرعی و قانونی نخواهد داشت» این مقررۀ دقیقاً در راستای اصل ۳۸ قانون است.

اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ صرفاً به شکنجه اکتفا نگردیده است و می‌گوید اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت روحی و یا جسمی اخذ شود فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم مجدد تحقیق کند. یا در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری این گونه بیان شده است که «ضابطان دادگستری مکلفند کارت ویژه ضابطیت را به همراه داشته باشند در غیر این صورت اقدامات انجام شده از سوی آن‌ها فاقد اعتبار قانونی است.»

ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی گزارش ضابطان دادگستری را معتبر می‌داند که بر خلاف اوضاع و احوال مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شده باشند بدین وسیله هر اقدامی که مخالف با آن معتبر نخواهد بود. در نظام کیفری ایران با وجود اشاره صریح به بی اعتباری ادله که خارج از مبانی قانون به دست آمده است اما در جهت تبیین آیین دادرسی بطلان و استثنائات آن هیچ مقررۀ وجود ندارد.

۳-۷ اصل سری بودن تحقیقات مقدماتی

این امر در ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۹۲ پیش بینی شده است هم چنین در ماده ۹۱ آیین قانون به صورت مطلق

۲ - ماده ۹۱ - تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان

۱ - افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است

و بدون آنکه تفکیکی بین اصحاب دعوا نماید اصل را بر سری بودن تحقیقات مقدماتی دانسته است. بنابراین بازپرس و مقام تحقیق که در امر تحقیقات حضور دارند باید اسرار مرحله تحقیقات مقدماتی را حفظ کرده و در صورت نقض آن قانون گذار برای آن ضمانت اجرا قرار داده است. پس بنابراین در بیان اصل سری بودن مرحله تحقیقات مقدماتی قانونگذار افشای اسرار حرفه‌ای را برای تمام افرادی که در جریان دادرسی قرار دارند مقرر کرده است. عدم رعایت این اصل در قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۴۸ با ضمانت اجرای کیفری روبرو شده است. البته در مورد این موضوع که آیا نقض اصل سری بودن دادرسی (تحقیقات مقدماتی) را می‌توان آن را با ضمانت اجرای بطلان مواجه کرد با توجه سکوت قانون گذار در این زمینه می‌توان بر این باور بود که چنان چه نقض اسراری که در این مرحله در اختیار افراد دخیل در امر دادرسی قرار می‌گیرند چنانچه حقوق دفاعی متهم را نقض کند بتوان ضمانت اجرای بطلان را نسبت به آن اعمال گردد. چنان چه در دادنامه ۷۱/۲۰۸۱۴ رعایت سری بودن دادرسی را از موارد بطلان رسیدگی اعلام نموده است.

۳-۸ تفهیم اتهام

آگاهی از دلایل و مستندات وارد شده یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه است. این اصل به قدری دارای اهمیت است که عدم توجه آن می‌تواند موجبات نقض و بی‌اعتباری تحقیقات را فراهم آورد. از سوی دیگر آگاهی از حقوق دفاعی متهم و تفهیم این حق به او در نتیجه تحقیقات و ارزش آن تاثیرگذار است. پذیرش بطلان تحقیقات مقدماتی به دلیل عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه و شرط برابری سلاح‌ها قابل قبول است و همسو با کرامت انسانی است.

در نظام حقوقی ایران اولاً باید گفت که ضمانت اجرای بی‌اعتباری دلیل یا تحقیقات به طور مشخص برای عدم رعایت تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان پیش‌بینی نشده است. ثانیاً در در تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون دادرسی کیفری مصوب ۹۲ به ضمانت اجرای بی‌اعتباری تحقیقات و نه بی‌اعتباری ادله به دست آمده در صورت عدم تفهیم داشتن حق وکیل و نه سایر حقوق متهم از سوی بازپرس و نه ضابطان دادگستری اشاره شده بود که متأسفانه به موجب ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۴/۳/۹۴ این ضمانت اجرا ملغی شد و به جای آن ضمانت اجرای انتظامی درجه ۳ برای مقام قضایی متخلف پیش‌بینی شد.

ثالثاً طبق تبصره ماده ۴۴۵ همین قانون عدم رعایت تشریفات دادرسی مهم با درجه اهمیت بالا که می‌تواند باعث بطلان و در اینجا عدم تفهیم حقوق متهمان بشود در صورتی می‌تواند موجب بی‌اعتباری رای گردد که تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رای گردد و هرچند متن تبصره مذکور دچار ابهام است اما این تبصره سعی دارد به بطلان ذاتی در آیین دادرسی کیفری اشاره کند.

لذا در حال حاضر و شرایط کنونی در قوانین شکلی ایران بهترین راه حل در این باره این است که مقام محترم قضایی در صورتی که با نقض حقوق متهم در این خصوص روبرو شود استناد به ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ و به این علت که گزارش ضابطان دادگستری بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم نشده باشد گزارش آن‌ها فاقد اعتبار دانسته شده و مبنای تصمیمات قضایی قرار ندهند (Qasemi, 2015).

۳-۹ بازداشت غیر قانونی

تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم میشوند.

سخن گفتن از دادرسی بیهوده است (Saber & Nazarian, 2014).

این حق محدود به وضعیتی نیست که متهم زبان مورد استفاده دادگاه صحبت نمی‌کند بلکه به متهمانی که دارای اختلال شنوایی یا گفتاری هستند نیز تسری می‌یابد بنابراین حق داشتن مترجم در صورت لزوم شامل حق داشتن مترجم زبان اشارات نیز می‌شود. اگر متهم درک کاملی از روند دادرسی عادلانه نداشته باشد نمی‌تواند بر نتیجه کاراثر بگذارد این امر هم پذیرش نتیجه را ضعیف می‌کند و هم توانایی متهم را برای اینکه واقعاً عاملی در روند رسیدگی باشد اگر حضور متهم در دادرسی کیفری بدون پیش‌بینی حق بر مترجم حاصل شود در نتیجه طرح موضوع انکار و سلب حق بر مترجم بیهوده به نظر می‌رسد. اگر مظنون نیاز به برقراری ارتباط از طریق ترجمه داشته باشد و این امکان برای وی فراهم نباشد یا مترجم مشکلات در ترجمه داشته باشد مظنون و یا متهم ممکن است سوالات را اشتباه متوجه شود و این ترجمه ارتباط امکان موثر را فراهم نکند و خطر دادرسی ناعادلانه را به وجود آورد.

نقض حق بر ترجمه چه به دلایل عرفی و قانونی زمانی که نقض به منزله انکار حق دادرسی عادلانه تلقی شود محاکمه را باطل می‌کند. با این حال محاکم تمایل ندارند که انکار حق بر ترجمه را به عنوان حق اصلی یا ماهوی فی نفسه تلقی کنند بلکه به عنوان نفی دادرسی عادلانه تلقی می‌کنند.

۴- فرایند بطلان در مرحله رسیدگی

پس از مرحله تحقیقات مقدماتی نوبت به مرحله رسیدگی یا "دادرسی" و یا "دادگاه" می‌رسد. مرحله محاکمه از آن جهت حائز اهمیت است که بر خلاف مرحله تحقیقات مقدماتی همه امور به وسیله مقام قضایی انجام می‌گیرد یعنی تنها قاضی دادگاه است که تصمیم می‌گیرد و حکم صادر می‌کند لذا در این مرحله ضابطه دادگستری مانند مرحله تحقیقات مقدماتی علناً کاری انجام

برای بازداشت متهم لازم است که چه در جرایم مشهود و چه غیر مشهود دلایل کافی نظر به احتمال مجرمیت فرد وجود داشته باشد. به طوری که انتصاب اتهام به متهم به طور مسجل بدون احتیاج به بررسی و تحقیقات بیشتر وجود داشته باشد. تشخیص این امر (کفایت ادله مجرمیت) بر عهده خود ضابط دادگستری است که بتواند از لابلای عرایض فرد دستگیر شده چه آنچه را که، به تناقض با استرس و اضطراب و یا از روی خونسردی برای انحراف کردن ضابط می‌گوید تشخیص دهند. لذا اگر هر کدام از این شرایط رعایت نشود بازداشت باطل است. لذا مهم‌ترین اثری که بطلان این بازداشت دارد بی‌اثر شدن اقراری است که از آن شخص گرفته شده است. لذا اگر به صرف همین دلایل شخص را به عنوان متهم در دادگاه محاکمه کرد چنین اقراری قابلیت مستند رای دادگاه نمی‌تواند قرار گیرد زیرا چنین بطلانی ناشی از امری جوهری و اساسی است استناد به این بطلان علاوه بر شرط منفعت باید دارای شرط مصلحت نیز باشد یعنی اقدامات باطل در تصمیمات بعدی نیز تاثیر داشته باشد. بطلان بازداشت در همه موارد منتهی به بطلان حکم نمی‌شود بلکه باید میان بازداشت باطل و محکومیت متهم رابطه سببیت وجود داشته باشد. قاعده کلی آن است که "هرچه مبتنی بر باطل باشد باطل است" بنابراین تاثیری در سایر ادله ندارد (Zar'at, 2011).

۳-۱۰ حق داشتن مترجم

حق داشتن مترجم نه تنها با تمامی اصول دادرسی عادلانه ارتباط تنگاتنگ دارد بلکه در واقع عدم رعایت این حق می‌تواند به مفهوم نقض سایر اصول شکلی دادرسی باشد منطق این حق در حمایت از متهم در برابر راستی خودسرانگی و تضمین‌های دادرسی عادلانه از طریق توانمندسازی متهم برای برقراری ارتباط موثر نهفته است اگر کمک مترجم برای متهمی که تسلط کافی بر زبان دادگاه ندارد فراهم نشود نه تنها دسترسی وی به عدالت مختل می‌شود بلکه

عدالت و اطمینان از دیده شدن عینی و وسیع آن و باقیماندن اعتماد جامعه به قوه قضاییه است.

اصل علنی بودن را می‌توان از اصول دادرسی و قواعد آمره و حق اصحاب دعوا و به درجه‌ای از اهمیت به شمار آورد که عدم توجه به آن رای را از اعتبار قانونی ببندازد. بنابراین فسخ یا نقض رای به جهت مزبور قابل دفاع است. در این خصوص ضمانت اجرای مدنی خاصی هم در قوانین نداریم و حتی در خصوص ضمانت اجرای علنی برگزار شدن دادرسی مقرر کیفری خاصی نیز وجود ندارد. و تنها ماده نامحدودی در این زمینه راهگشاست آنچه نمایان است نبود ضمانت اجرای موثر در این زمینه است (Shams, 2016).

۴-۲ اصل شفاهی بودن دادرسی

لازمه شفاهی بودن محاکمه آن است که کلیه دلایل موجود در پرونده دوباره مطرح گردیده و مورد استدلال و مناقشه قرار گیرد. پس شهادت و اقرار و نظریه کارشناسی که در تحقیقات مقدماتی گردآوری شده است دوباره باید قرائت شود و شاهدان شهادت بدهند و نظریه کارشناسی از سوی طرفین دعوا ارزیابی می‌شود. ضمانت اجرای تخلف از این اصل بطلان حکم است. بنابراین چنانچه دادگاه هیچ اقدامی در مورد ادله انجام ندهد و فقط به دلایل موجود در پرونده اصل شفاهی بودن دادرسی وابسته به نظم عمومی است بنابراین در صورتی که رعایت نشود موجب بطلان اقدامات خواهد بود هرچند طرفین دعوا سکوت کرده باشند و یا از اجزای آن صرف نظر کرده باشند استناد کند تصمیمی باطل را اتخاذ کرده است (Zar'aat, 2011).

تمام افرادی که در فرایند دادرسی حضور دارند اعم از متهم شاکی و وکلا کارشناسان باید تمام مطالب خود را به صورت شفاهی بیان کنند و اگر دلیلی به صورت کتبی باشد باید آن دلیل به رویت اشخاص برسد تا مورد مناقشه قرار گیرد. مذاکرات باید به زبان

نمی‌دهد. در این مرحله نیز بر پایه یک سری اصول و قواعد جوهری و ذاتی است و برخی اصول نیز از این اهمیت برخوردار نمی‌باشند. مرحله دادرسی بر خلاف مرحله تحقیقات مقدماتی بر اساس نظام اتهامی است. یعنی در این مرحله اصل بر علنی بودن، شفاهی بودن، توافعی بودن، برابری سلاح‌ها و.... می‌باشد که تخطی از برخی از این اصول و قواعد چنانچه مهم و ذاتی باشد که نقض آن‌ها اهداف دادرسی را تامین نکند موجبات بطلان تصمیمات دادگاه می‌شود.

در مرحله دادرسی سخن از بطلان ذاتی است زیرا قانون گذار سخنی از بطلان قانونی به میان نیاورده است لذا چنان چه در این مرحله تخلفی از اصول مهم و جوهری صورت گیرد توسط مرجع تجدید نظر لغو و باطل می‌گردد.

۴-۱ علنی بودن دادرسی

اصل بر علنی برپا شدن جلسات دادگاه است و بیان نکردن آن در صورت جلسه دادگاه باعث بطلان آن نمی‌شود مگر اینکه از محتویات پرونده و صورت جلسات آن چنین بر بیاید که دادگاه به صورت غیر علنی تشکیل شده است. اگر جلسه دادگاه بدون صدور قرار غیر علنی بودن یا بدون ذکر علت غیر علنی بودن در قرار صادره به صورت غیر علنی برپا گردد موجب حکم بطلان خواهد بود اگر تمامی جلسات به صورت علنی برپا شود و یک جلسه به شکل غیر علنی برگزار گردد بدون اینکه قرار مقتضی صادر شود باز هم موجب بطلان حکم خواهد شد مگر آنکه هیچ تصمیمی در آن جلسه گرفته نشود مانند آنکه شرایط رسیدگی فراهم نباشد و جلسه دادگاه تجدید شود (Zar'aat, 2011).

اصل علنی بودن محاکمات اصل اساسی و مرتبط با نظم عمومی است که تخلف از آن موجب بطلان می‌شود بنابراین ضمانت اجرای بطلان نیازی به تصریح قانونی ندارد اما با این وجود برخی از قوانین به صراحت چنین ضمانت اجرایی را بیان کرده‌اند. لذا هدف از این اصل حمایت از طرفین دعوا در مقابل اجرای مخفی

قانونی بودن اقدامات مقامات قضایی و ضابطان بعد از اتمام دادرسی مستلزم آن است که چگونگی اجرای مجازات و طرق فوق العاده اعتراض به احکام قطعی به موجب قانون تعیین شود. رعایت اصل قانونی بودن دادرسی به معنای پذیرش بسیاری از اصول و قواعد حقوقی مبتنی بر این اصل در جریان دادرسی‌های کیفری مانند اصل براءت، اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری و اصول مربوط به دادرسی منصفانه است. بنابراین جریان ادرسی‌های کیفری از زمان ارتکاب جرم تا زمان صدور حکم باید کلیه تشریفات دادرسی رعایت گردد و در صورت عدم رعایت آیین دادرسی حکم دادگاه کیفری قابل نقض خواهد بود (Bagheri, 2016).

یکی از مهمترین ضمانت اجرای حقوقی نقض مقررات قانونی توسط مقامات رسیدگی کیفری ضمانت اجرای بی‌اعتباری و بطلان است. با وجود اهمیت و ضرورتی که ضمانت اجرای بی‌اعتباری و بطلان ادله و تحقیقات ناشی از نقض اصل قانونی بودن دادرسی کیفری و اینکه چنین ضمانت اجرایی موجب ارتقای حاکمیت قانون خواهد شد در قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران در موارد اندکی به این ضمانت اجرا اشاره شده است، ضمن اینکه چهارچوب مشخصی نیز برای نحوه رسیدگی به درخواست بطلان تعیین نشده است. تحقیقات افراد فاقد کارت ویژه ضابط دادگستری " ماده ۳۰"، ادله که خلاف مقررات قانونی توسط ضابطان تهیه شده باشد " ماده ۳۶"، ادله ناشی از اکراه و اجبار متهم " ماده ۶۰"، و کلمات دارای خط خوردگی که در تحقیقات که ذیل آن‌ها امضا نشده " ماده ۱۱۵"، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری بی‌اعتبار دانسته شده است. یکی از مهم ترین موادی که ضمانت اجراء بطلان در آن پیش بینی شده بود تبصره ماده ۲۳" لایحه آیین دادرسی کیفری بود که مقرر می‌داشت «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم وجب بطلان تحقیقات می‌شود» که متأسفانه در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۴ تبصره مذکور حذف و

فارسی برگزار شود و اجرای مذاکرات شفاهی به زبان عربی موجب بطلان است.

۴-۳ اصل تساوی سلاح ها

اصل تساوی سلاح‌ها بخش مهمی از گستره یک دادرسی عادلانه است که بیان می‌دارد در یک دادرسی عادلانه و به دور از رسیدگی خصمانه فرصت دستیابی به تمام شواهد و ادله فاصله برای طرفین دعوا دادرسی موجود باشد. دامنه گستره این اصل در کل فرایند دادرسی قابل اجراست حتی در تحقیقات اولیه پلیس و تحقیقات مقدماتی نیز در قانون سال ۱۳۹۲ برخی از تضمین‌های اساسی آن پیش بینی شده است.

در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران در اصل ۳۸ قانون اساسی و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز وجود ضمانت اجرای کیفری مندرج در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری علی‌رغم پیش‌بینی‌های موجود هیچ موضعی در خصوص بطلان وجود ندارد. در این خصوص متأسفانه قانون گذار کشورمان در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ نیز علی‌رغم تدبیر این امر در تبصره یک ماده ۱۹۰ متأسفانه در اصلاحات انجام شده در خرداد ماه ۹۴ آن را حذف نمود. لذا لازم است از آنجایی که صدور یک رای کیفری بر اساس و مبنای تحقیقات به عمل آمده در مرحله تحقیقات مقدماتی شکل می‌گیرد لازم است همچون قوانین سایر کشورها مانند کشورهای چون فرانسه، آمریکا، ایتالیا و به مانند تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ که در اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴ حذف شد جهت جلوگیری از اقدامات خودسرانه ضابطان و مقامات قضایی، تدابیری چون بطلان تحقیقات پیش بینی گردد. چرا که تضییع حقوق متهم در این امر تأثیری برای رای صادره علیه متهم نگون بخت نخواهد داشت.

۴-۴ اصل قانونی بودن نحوه رسیدگی

ضمانت اجرای بطلان حذف شد (Ghafari Elahi Kashani, 2021).

۴-۵ اصل تناظر

تناظر در دادرسی کیفری یعنی هیچ تصمیمی در دادرسی مگر بعد از استماع اظهارات و بررسی ادله، طرفین دعوای عمومی (متهم و دادستان) له و علیه یکی از اطراف دعوای عمومی در هیچ یک از مراحل دادرسی (تعقیب و تحقیق و محاکمه) نباید اخذ گردد. به این ترتیب به دلیل آنکه اصل تناظر نیز از اساسی‌ترین اصول دادرسی کیفری می‌باشد و عدم رعایت آن به درجه‌ای از اهمیت است که موجب بی اعتباری رای می‌گردد و تخلف از آن موجب بطلان رای صادر شده می‌باشد. تمامی ادله‌ای که در دادرسی مورد استناد قرار می‌گیرد باید مورد تنازع و مناقشه قرار گیرد و چنان چه دلیلی پس از ختم دادرسی ارائه گردد قابلیت استناد ندارد. بلکه باید در مراحل بعدی مورد توجه قرار گیرد به عنوان نمونه چنان چه دادگاه به دلیلی استناد کند که طرفین دعوا از آن اطلاع نداشته باشند استناد به علم شخص قاضی محسوب گردیده و موجب بطلان رای می‌شود. همچنین اگر در دادگاه قاضی ادله فراهم شده تحقیقات مقدماتی را قرائت نکند مثلاً شهادت شهود را به اطلاع طرفین دعوا نرساند تا اظهارات خویش نسبت به مفاد شهادت را بیان کنند چنین دلیلی فاقد اعتبار است زیرا بازپرس در این صورت واسطه میان استنباط دادگاه و دلیل خواهد بود در حالی که ادله باید بدون واسطه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۴-۶ حق آخرین دفاع

یکی از حقوق دفاعی متهم حق آخرین دفاع است که همواره به عنوان آخرین نفر جلسه محاکمه سخن می‌گوید و محاکمه با سخنان متهم به پایان می‌رسد علت این امر آن است که به متهم فرصت داده شود تا در مقابل دلایلی که علیه وی اقامه شده است دفاع کند و دیدگاه‌های خود را بیان کند. متهم می‌تواند از این حق خود گذشت نماید اما در غیر این صورت چنان چه به متهم فرصت

دفاع داده نشود موجب بطلان تصمیمات می‌شود به ویژه در مواردی که دلیلی علیه متهم ارائه می‌گردد و متهم نمی‌تواند مناقشات خویش را نسبت به آن دلایل مطرح کند. فلسفه آخرین دفاع اقتضا می‌کند که چنان چه پس از اظهارات نهایی متهم، شاکی یا شخص دیگری غیر از متهم اظهاراتی بنماید که نیاز به دفاع نداشته باشد موجب بطلان نشود مانند اینکه دادستان دلیلی به نفع متهم ارائه دهد یا شاکی سخنی به نفع متهم بگوید (Zar'aat, 2011).

نتیجه‌گیری

دادرسی بر پایه عدالت و انصاف یکی از اصول کلی و مهم آیین دادرسی کیفری است. اصلی که رسیدن به غایت آن در گرو اجرای سنجیده قواعد دادرسی و بر پایه حفظ حقوق جامعه، شاکی و متهم می‌باشد. در این میان تضمینات اصول دادرسی به ویژه ضمانت اجرای بطلان به عنوان موثرترین تضمین قواعد دادرسی یارای این هدف قانون‌گذار است. نظریه بطلان اختصاص به مرحله محاکمه ندارد و موضوع آن منحصر به حکم و قرار نمی‌باشد بلکه در تمامی مراحل دادرسی از تعقیب و تحقیقات مقدماتی، دادرسی، مراحل پس از دادرسی را در برمی‌گیرد تا در پرتو ضمانت اجرای اصول دادرسی منصفانه در صورت نقض اصول و قواعد اساسی حکم به بطلان آن‌ها بدهد. با بررسی حقوق داخلی ایران می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه در قوانین کیفری ایران به ضمانت اجرای بطلان دادرسی به خوبی تصریح نشده است اما همواره بر یک عقیده محکم استوار است که عدم رعایت اصول اساسی و بنیادین دادرسی می‌تواند منجر به ضمانت اجرای بطلان در دادرسی کیفری گردد. لازمه بطلان حول این محور اساسی قرار دارد که: چنان چه تحقیقات مقدماتی بر فرایند ادله باطل صورت گرفته این اقدامات باطل و چنانچه در مرحله دادرسی رای بر پایه نقض اصول دادرسی شکل گرفته است آن حکم محکوم به بطلان گردد. بنابراین بهتر است مقنن ضمن مشخص نمودن اصول و قواعد اساسی جوهری

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منفعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The sanction of nullity as a response to the violation of procedural principles in criminal proceedings represents a critical intersection between individual rights and the integrity of the legal process. The theoretical foundation for nullity lies in the concept of fair trial, a core tenet of international human rights law, which emphasizes equal opportunity to defend, access evidence, and be judged impartially. In the Iranian legal context, this principle gains further gravity due to historical deficiencies in protecting defendants during various stages of legal proceedings. Nullity, in its most severe form, acts not only as a corrective mechanism but also as a preventive deterrent against procedural abuses. Some of the foundational procedural rights whose violation may result in nullity include the right to legal representation, the right to an interpreter, the right to silence, the prohibition of torture, and the right to be informed of charges. These are not merely formalities; rather, they represent substantive protections that ensure justice. According to the literature, scholars such as (Zar'aat, 2011) and (Tadayon, 2008) argue that the impact of violating core procedural rights is not merely symbolic but invalidates the entire investigative or judicial process. As such, nullity serves as the legal remedy ensuring that any proceeding tainted by the breach of fundamental rights cannot form the basis for legitimate legal consequences.

The development of this principle within Iranian criminal procedure law reveals a trajectory marked by both progress and setbacks. The 2013 Criminal Procedure Code introduced a relatively modernized framework

از دیگر اصول دادرسی واحصای شاخصه‌های بطلان در اثر نقض اصول دادرسی به عنوان یکی از جلوه‌های مهم حقوق و آزادی‌های افراد در دادرسی گامی موثر در رفع این خلاء اساسی دادرسی کیفری بنماید.

مشارکت نویسندگان

emphasizing human dignity and the rights of the accused, including stricter procedural safeguards. However, the 2015 amendments significantly diluted the force of these protections. For example, the removal of Article 190's provision that explicitly rendered investigative proceedings void in the absence of legal counsel was a major regression (Ghafari Elahi Kashani, 2021). The jurisprudence that has emerged since then has struggled to maintain consistent standards regarding the application of nullity. Some legal scholars advocate for a dual distinction between statutory nullity (based on explicit legal provisions) and judicial nullity (based on judicial interpretation and discretion), allowing for greater judicial flexibility in safeguarding rights (Bagheri, 2024). In addition, the differentiation between absolute and relative nullity is instrumental in determining the consequences of procedural violations. Absolute nullity applies when fundamental principles such as jurisdiction, competence, or right to defense are breached—automatically voiding the process—while relative nullity is applicable only if invoked by a party whose rights were infringed (Al-Shurai, 1982). This dual system, while theoretically sound, is often undermined in practice due to vague statutory definitions and inconsistencies in judicial enforcement.

The role of nullity becomes particularly significant during preliminary investigations. While not directed toward adjudication, the preliminary phase is laden with decisions that impact liberty, such as arrest, detention, and evidentiary collection. Legal scholars like (Fadaei Deh Cheshmeh et al., 2023) highlight

that actions undertaken in this phase—especially those without judicial oversight or obtained through coercion—can severely compromise the integrity of later proceedings. In particular, forced confessions obtained through torture or the absence of legal counsel have frequently been cited as grounds for nullification. The Iranian Constitution (Article 38) and the Islamic Penal Code (Article 169) firmly outlaw coerced confessions, deeming them devoid of legal value (Ardebili, 2011; Goldouzian, 1996). Similarly, rights like access to counsel and the right to silence are indispensable during investigations. Their denial is not a trivial error but a structural flaw that contaminates the legitimacy of all ensuing judicial outcomes (Jafari et al., 2016; Shakeri & Shirazi, 2015). Despite these rights being enumerated, their enforcement is inconsistent, and the absence of statutory language granting courts authority to declare nullity in such cases limits the practical efficacy of these protections.

The principles of fair trial extend beyond the investigatory phase into the courtroom itself. Core values such as public hearings, oral proceedings, and equality of arms are universally acknowledged as vital to the integrity of adjudication. Their absence fundamentally alters the nature of justice delivered. For example, if a hearing is held in private without appropriate justification or legal mandate, the legitimacy of the trial is compromised (Zar'aat, 2011). Similarly, when courts rely solely on documentary evidence without subjecting it to adversarial scrutiny, they infringe upon the principle of orality, thereby invalidating the judicial process (Shams, 2016). The principle of equality of arms, as discussed by (Murthi & Yousifian Shooreh Deli, 2021), ensures that both prosecution and defense have equal opportunities to present and challenge evidence. In this sense, nullity is not simply a procedural response but a guardian of

substantive justice. The principle of legality also requires that all judicial actions conform to established statutory frameworks. Any deviation that results in infringement of procedural or substantive rights—such as failure to adhere to proper notification procedures or the use of unauthorized law enforcement personnel—may serve as grounds for nullity (Bagheri, 2016).

The broader implications of nullity resonate deeply with the rule of law. Nullity embodies the idea that no legal consequence can arise from a defective legal process. It acts as a barrier against state overreach, reinforcing the idea that power must be exercised within legal boundaries. However, the Iranian legal system faces systemic challenges in operationalizing this concept. The failure to codify clear thresholds and procedures for declaring nullity leaves too much discretion in the hands of judges and allows for arbitrary or inconsistent decisions. Scholars such as (Saibani et al., 2021) have emphasized the absence of objective criteria as a significant weakness in ensuring procedural justice. Furthermore, procedural rights such as the right to interpretation, the right to be informed of the charges, and the right to final defense are frequently undermined in practice, with limited avenues for redress. The consequence is a fragmented and sometimes contradictory jurisprudence that fails to protect the most vulnerable actors in the criminal justice system.

In conclusion, the doctrine of nullity serves not only as a technical remedy for procedural defects but also as a safeguard for fundamental rights within criminal justice. While the Iranian legal system acknowledges the principle of nullity in theory, its practical application remains limited, inconsistent, and insufficiently supported by statutory frameworks. Nullity must be understood as a dynamic principle that adapts to the severity and nature of the procedural breach,

particularly when it undermines core values such as dignity, fairness, and legality. To align the system with both constitutional imperatives and international human rights norms, there is a pressing need for legislative reform. Such reform should explicitly codify conditions for nullity, establish clear procedural standards, and empower the judiciary to act decisively when fundamental rights are at stake. Only then can nullity fulfill its true role as a bulwark against injustice and a guarantor of lawful governance.

References

- Al-Shurai, A. (1982). *Civil Nullity: Procedural and Substantive*. Al-Ma'arif Publishing.
- Ardebili, M. A. (2011). *General Criminal Law* (Vol. 1). Mizan Publications.
- Bagheri, Z. (2016). *Principles of Criminal Procedure*. Mizan Publications.
- Bagheri, Z. (2024). Guaranteeing Fundamental Principles in Light of Criminal Procedure Measures. *Legal Research Quarterly*, 23.
- Fadaei Deh Cheshmeh, M., Soleimani, A., & Taheri, H. (2023). On the Theory of Nullity in Preliminary Investigations in Iran's Criminal Procedure (Considering the 2013 Criminal Procedure Code). *Tehran Law Journal*, 5(10).
- Fazaeli, M. (2015). *Fair Trials in International Criminal Courts*. Institute for Legal Studies and Research, Shahre Danesh.
- Ghafari Elahi Kashani, N. (2021). The Principle of Legality in Comparative Criminal Procedure. *Journal of Criminal Law and Criminology Studies, University of Tehran*, 51.
- Goldouzian, I. (1996). *Essays on Criminal Law*. Dadgostar Publications.
- Jafari, F., Mousavi, S. R., & Islamieh Hamadani, A. (2016). Comparative Study of the Right to Legal Counsel During Prosecution in Iranian Domestic Law and International Criminal Court Documents and Practices. *Comparative Legal Studies Journal*.
- Mirzapour Meshizi, A. (2012). Sanctions for Non-Compliance with Reasonable Time Limits. *Legal Excellence Journal*, 4(16).
- Murthi, M., & Yousifian Shooreh Deli, B. (2021). Strengthening the Rule of Law Through Nullification of Investigations and Exclusion of Evidence. *Criminal Law Research Journal* VL - 12(2).
- Nourian, A., & Salimi, E. (2017). Reasonable Time in Pre-Trial Criminal Proceedings: Mechanisms for Implementation and Sanctions for Violations. *Majles and Strategy Quarterly*, 24(92).
- Qasemi Moghaddam, H. (2015). Explaining the Rights of Defendants by Judicial Officers with Emphasis on the 2013 Criminal Procedure Code. *Criminal Law Research*, 6(2).
- Saber, M., & Nazarian, H. (2014). Reasonable Time for Proceedings in the International Criminal Court and European Court of Human Rights Judgments. *Natural Law Research Journal*.
- Saibani, A., Sadeghi, G., & Sagian, M. M. (2021). Sanctions for Violations of Fair Trial Principles in Criminal Proceedings in Iran's Legal System. *Strategic Studies Quarterly*, 6.
- Shakeri, A., & Shirazi, G. (2015). The Right to Silence and the Duty of Prosecutors Regarding It in Criminal Procedure Law. *Quarterly Journal of Police Knowledge in North Khorasan, Applied Research Office of North Khorasan* ER -.
- Shamloo, B. (2004). The Principle of Criminal Presumption of Innocence in Modern Procedural Systems. Collection of Articles on Criminal Sciences in Honor of Professor Dr. Mohammad Ashouri, Tehran.
- Shams, A. (2016). *Civil Procedure*. Darak Publications.
- Tadayon, A. (2008). The Theory of Nullity in Criminal Procedure (With Emphasis on French Law). *Azad Legal Research*(3).
- Zar'aat, A. (2011). *Nullity in Criminal Procedure*. Mizan Publications.